

مجله سراسرای سقوت

Sawaeq.ir

شماره اول | سه شنبه | ۱۵ اسفند ۱۳۹۶ | ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۳۹ | ۶ مارس ۲۰۱۸

پیشنهاد سردبیر: پسرک خائن، روایت مراسمی بازمانده از داستان سقوط اندلس



03 بازگشت سومنات

11 معرفی معبد حسان در مراکش

08 عاقبت طغیانگران جبار در سنت الهی

02 نشانه های حکومت عدل عمر بن عبدالعزیز

06 شکست شوروی از مجاهدین در افغانستان

07 منیر روبا خلبان خائن عراقی و سرگذشت ننگین او

حمد و ثنا و ستایش الله متعال، یکی از ریسمان های محکم و ناگسستنی الهی ست که سبب تثبیت ایمان است. از اینکه سرتاسر قرآن کریم حمد و ستایش خداست، از اینکه تمامی موجودات از روی اختیار و از روی اجبار تسلیم حمد الهی هستند از اینکه سرآغاز کلام خدا سوره ای است مشهور به حمد و آغازین آیه اش حمد و ثنای پروردگار جهانیان است، اهمیت گوهر ثنا آشکار تر می شود. اکنون بیایید باهم خداوند جهانیان را بر برخی از افعال و صفاتش حمد گوئیم

خدایا تو را سپاس به خاطر تمامی استعداد های وجودی مان به ویژه استعداد بندگی و عبودیت تو...

خدایا تو را سپاس به خاطر حلقه نیاز، حلقه ی اتصالی که دائما مارا به تو پیوند می دهد...

خدایا ثنا گوی تو هستیم به خاطر محبتی که در دل هایمان نسبت به خودت، ملائکه ات، کتاب هایت، پیامبرانت، اولیائت و احکامت قرار داده ای ...

در مسیری که درستی آن را باور داریم و حضور یاران و همراهانی همچون شما که در کنارمان گام بر می دارند را حس میکنیم، هیچ وقت احساس تنهایی نخواهیم کرد، حتی اگر سخت ترین و دشوارترین شرایط و فراز و نشیب ها در این راه مسیر دعوت باشد و باز به حمایت و مساعدت شما دوستان دلگرم هستیم و هرگز باعث ناامیدی و نگرانی نخواهند بود.

مسائل و کارها وقتی بین دوستان شفیق و همدل تقسیم می شود، قابل پذیرش تر و حتی دوست داشتنی تر و هیجان انگیز تر می شود، این خاصیت تعاون و اخوت اسلامی ست، که هرگاه کاری شکل جمعی به خود گیر میتواند منبع بزرگ انرژی و هیجانات مثبت شود و هر امر محالی را ممکن و شدنی گرداند

غرض از بیان این حقایق، ترسیم راه پیشرفت و پیش روی مجله اسلامی صواعق برای شما دوستان شفیق و همراه است که بیان کنیم ما این کار را با عشقی ناب شروع کردیم و اکنون به دوستان یاریگر شما برای حمایت از مجله محبوبتان نیازمندیم و منتظر همکاری شما در تمامی بخش های مجله خواهیم بود ...

عدالت عمر بن عبدالعزیز



زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز شاهد چنان امان و امنیتی بود، که قبل از آن دنیا همانند آنرا به خود ندیده بود.

عدالت ایشان به حدی رسید در سرزمین های اسلامی پرنده ای گرسنه یافت نمی شد، و عجیب تر از آن وضعیت به حالتی رسید که گرگها با گوسفندان در یک مکان باهم می چریدند.

حسن قصاب می فرماید: در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز گرگ ها و گوسفندان را در بیابان باهم می دیدم که مشغول چریدن بودند، می گفتم سبحان الله گرگی در میان گوسفندان در حالی که به آنان ضرری نمی رساند، چوپان می گفت هرزمانی سر (کنایه از حاکم) خوب باشد، جسد (کنایه از مردم) مشکلی نخواهد داشت.

مالک بن دینار می فرماید: زمانی که عمر بن عبدالعزیز امیرالمؤمنین شد چوپان گوسفندان می گفتند: این چه مرد صالحی است که بر مردم حکومت می کند، به آنان می گفتند او را از کجا می شناسید، می گفتند هرزمانی مردی عادل بر مسلمانان حکومت کند گرگ ها دست از سر گوسفنداغان بر می دارند.

موسی بن ائین می فرماید: در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز ما در کرمان گوسفندان را می چرانیدیم، گرگ و گوسفند در مکانی باهم بودند، شبی از شبها گرگی به گوسفندی حمله کرد، گفتم گمانی در آن ندارم که آن مرد صالح فوت کرده، که چنین هم بود در آن شب عمر بن عبدالعزیز فوت کردند.

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء - أبو نعیم الأصبهانی، تاریخ دمشق - ابن عساکر

گردآوری: مسعود زاهدی

بازگشت سومنات پس از تخریب توسط سلطان محمود بت شکن



سومنات یکی از بزرگ ترین و مهم ترین بت های هندوان بود که پنج متر طول داشت و در معبدی بزرگ قرار گرفته بود . هندوان گروه گروه به زیارت سومنات می رفتند و صدها برهمن به عبادت آن مشغول بودند . هندوها معتقد بودند که حتی دریا هم سومنات را عبادت می کند به طوری که جزر و مد را نشانه ی این موضوع می دانستند . آن ها جواهرات فراوانی را نذر این بت می کردند . علاوه بر این صدها روستا وقف آن بود .

معبد سومنات

معبد سومنات، بت خانه ای بزرگ بود که چهارده گنبد طلا داشت و دو هزار کس از براهمه در آن بت خانه مشغول عبادت بودند و زنجیری از طلا به وزن دویست من در آن خانه آویخته بودند و جرس های طلا در آن تعبیه کرده، در زمان های معین، خدام بت خانه آن زنجیر را حرکت می دادند و جرس ها را به صدا درمی آوردند و براهمه به عبادت مشغول می گشتند. همواره سیصد سرتراش و سیصد مغنی و پانصد کنیزک رقص، شبانه روز در آن بت خانه آماده خدمت بودند. در هنگام خسوف، مراسم بزرگی در این معبد برگزار می شد که بیش از یک صد هزار هندو در آن شرکت می جستند. گردیزی اعتقاد دارد که معبد سومنات برای هندوان، به منزله مکه برای مسلمانان است. هندوان از مسافت بسیار دور به زیارت آن می آمدند و در هنگام شرف یابی، از یک منزلی بت به پهلوی می غلتیدند تا به پای آن برسند.



نارندرا داموداس مودی نخست وزیر فعلی هند و از رهبران هندوها در بازدید و زیارت از سومنات |



سلطان محمود غزنوی و سپاه اسلام در حال شکست سومانات بزرگ

سلطان محمود غزنوی و فتح سومانات

سلطان محمود غزنوی هر قسمتی از هند را که فتح می کرد و یا بتی از بت خانه های آنان را منهدم می ساخت و یا معابد شرکی آنان را در هم می کوبید هندوان می گفتند: این سرزمین و این بت ها مورد خشم و غضب خدای بزرگ یعنی سومانات قرار گرفته اند. یا می گفتند: که سومانات به این امر راضی شده است. تمامی توجه هندوها به سومانات معطوف شد، تا اینکه سلطان محمود غزنوی رحمه الله لشکری بسیار عظیم برای درهم کوبیدن بزرگترین معبد مشرکین و بت خانه هندوستان تجهیز نمود. و مسافتی طولانی را طی نمودند تا به سومانات رسیدند.

جنگ شدیدی در راه بود چراکه هندوان معتقد بودند تا پای جان باید از آخرین و قدرتمند ترین خدای خود دفاع کنند که در غیر اینصورت سومانات بر آنها غضبناک و خشمگین می شد،

مسلمانان دروازه های شهر را دنوردیدند و پایگاه های خود را مستحکم ساختند و پرچم های توحید را برافراشتند و ندای الله اکبر سر میدادند ... سپاه اسلام همچون سیلی خروشان به شهر وارد شد و نبرد به داغ ترین درجه ممکن خود رسید هندوها که تاب مقاومت در مقابل اراده و سپاه مسلمین را نداشتند به داخل معبد سومانات پناه بردند و در آن هنگام به عبادت و سجده کردن سومانات پرداختند و در آن شرایط سهمناک دست به دامن بت بزرگ خود شدند با گریه و زاری از او نصر و پیروزی را طلب میکردند.

به گفته برخی تاریخ نگاران در ابتدای این نبرد ۵۰ هزار هندو جان خود را فدای سومانات کردند اما پیروزی و نصرتی از جانب بت بزرگ نیافتند

هنگامی عقلا و متفکرین هندو وضعیت کشتار همکیشان خود را دیدند و عجز و ناتوانی بت سنگی را نیز درک نمودند و در مقابل نیز اصرار مسلمانان بر نابودی و تخریب این بت خانه را دریافتند فهمیدند که در بین (دو انتخاب) کشته شدن همگی آنان و تخریب بت خانه و یا تخریب بت خانه و زنده ماندن باید یکی را انتخاب کنند ، پس دست از نبرد کشیدند و خواهان جلسه ای با سلطان محمود غزنوی شدند. در پیشنهاد اول به سلطان محمود اعطای تمامی دارایی ها و اموال سومانات و گنجینه های نایاب آنرا را در مقابل رها کردن سومانات و عدم تخریش خواستار شدند، اما سلطان محمود تمامی آن دارایی ها و پیشنهادات را رد نمود و سخن مشهور خود را بر زبان راند :

« من به پیشنهاد شما بسیار فکر کردم، و دیدم اگر فردای روز قیامت ندا داده شود کجاست محمودی که بت سومانات را شکست؟! برایم خوشایند تر است تا اینکه گفته شود: کجاست محمودی که بت سومانات را بخاطر مال دنیا فروخت و رها ساخت»

پس سلطان محمود غزنوی دستور نابودی کامل بت سومانات و معبد آن را داد

بازگشت سومانات بزرگ | افتتاح معبد بزرگ هندوها در ابوظبی

شاید اگر از معبد کوچکی که در دبی قرار دارد چشم پوشی کنیم این معبد بزرگ نخستین بت خانه ای است که پس از ۱۴۰۰ سال (از زمان رسول الله ﷺ تاکنون) در شبه جزیره عربستان ساخته شده است. مقامات ابوظبی در اقدامی عجیب زمینی به مساحت ۲۰ هزار مترمربع را به احداث بزرگترین معبد هندوها اختصاص دادند و در سال ۲۰۱۸ شاهد افتتاح این معبد با حضور رهبر دینی هندوها و همچنین نخست وزیر هندوستان بودیم. در این مراسم عجیب یکی از مقامات ارشد امارات (الشیخ سلطان بن سعود القاسمی) سخنان خود را بجای آغاز نمودن با «بسم الله الرحمن الرحیم» با «اعبد رام» (رام را میپرستم) به زبان هندوها آغاز نمود، که سبب تنش ها زیادی در فضاهای مجازی شد مسلمانان با هشتگ «رام-را-میپرستم» و «نه-به-بنای-معبد-هندوها» خشم خود را از این فاجعه اعلام کردند.

شیخ عادل الکلبانی یکی از اولین علماهایی بود که به این اقدام سران امارات متحده عربی واکنش نشان داد در این معبد سه بت بزرگ از شیوا (خداوند هندوها) نصب شده است و این معبد به بزرگترین معبد هندوها در خارج از هندوستان مبدل شد



بررسی پروژه و طرح اجزایی عملیات ساخت معبد هندوها



رد و بدل شدن هدایای ما بین مقامات هند و امارات متحده



محمد بن زاید و نخست وزیر هند در اغوش هم



نقشه نهایی و طرح پایانی معبد هندوها در ابوظبی که بازسازی طرحی از سومنات می باشد



تصویر محل اصلی عبادتگاه معبد هندوهای امارات



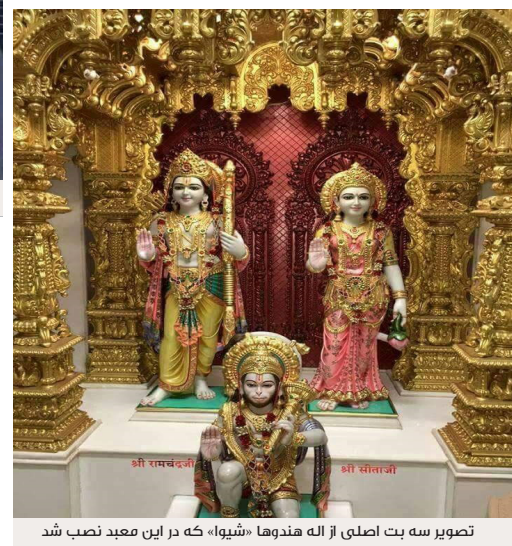
تصویری از معبد هندوها در ایالت نیوجرسی آمریکا که منبع الهام بخش ساخت معبد ابوظبی می باشد



لحظه لبخند شیخ سلطان بعد از بکار بردن عبارت من رام را می پرستم



عکس یادگاری مقامات اماراتی با نخست وزیر هند پس از اتمام پروژه

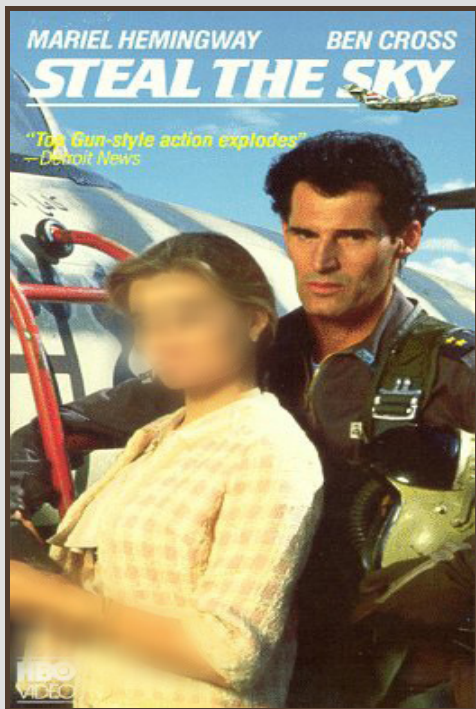


تصویر سه بت اصلی از اله هندوها «شیوا» که در این معبد نصب شد

A photograph capturing a scene of conflict aftermath in Afghanistan. In the foreground, a rusted, disabled tank lies on its side on a paved road. A man in traditional Afghan clothing, including a white tunic and a dark vest, stands next to it. In the background, two operational tanks are moving along the road, with soldiers standing on them. Another man in traditional clothing stands on the road near the disabled tank. The landscape is hilly and mountainous under a cloudy sky.

مترجم: ابوعمر

منیر روفای خلبان خائن عراقی و سرگذشت ننگین وی

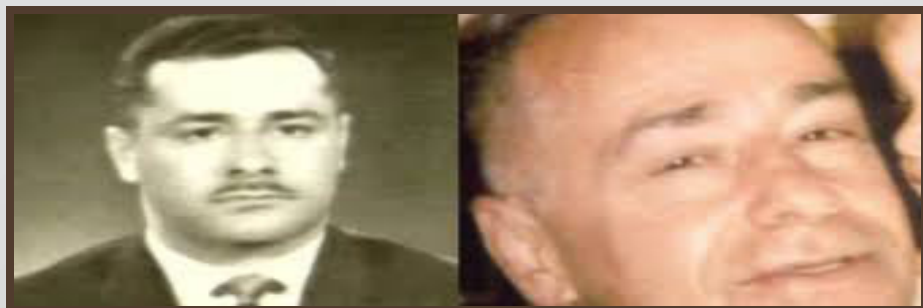


منیر روفای خلبانی عراقی ست که از طریق دختران موساد فریب خورد و توسط سازمان اطلاعات آمریکا و اسرائیل در سال ۱۹۶۵ به کار گماشته شد، و در سال ۱۹۶۶ میلادی با جنگنده میگ ۲۱ (که در آن وقت از پیشرفته ترین جنگنده هایی بود که عراق به تازگی از اتحاد شوروی سابق تحویل گرفته بود) به رژیم صهیونیستی فراری شد.

او خیانت خود را توجیه کرد و رنج بردن از منزوی شدن و از صحنه خارج شدن را دلیل می‌شمرد (چرا که او شخصی مسیحی با اصالت ترکیه ای بود) علی رغم بزرگداشت وی از سوی رژیم صهیونیستی اما وی با افسردگی کامل و پیشمانی از خیانتش در سال ۱۹۹۸ میلادی بر اثر سکت قلبی جان داد، و در آخرین وصیت نامه اش برای پسرش نوشته بود به او گفت: «هرگز وطن را نفروش حتی اگر هم وزن آن به تو طلا داده باشند».

با وجود اینکه منیر روفای از سوی رژیم صهیونیستی تابعیتی اسرائیلی گرفته بود و یک خلبان حرفه ای بود که در دانشگاه های خلبانی آمریکا آموزش دیده بود، اما درخواست های مکرر وی برای به خدمت گرفته شدنش در نیروی هوایی رژیم صهیونیستی رد می شد و او همواره زیر مراقبت و نظارت دائمی موساد باقی ماند.

در سال ۱۹۸۸ میلادی سینمای هالیوود فیلم سرقت آسمان را در تمجید از وی و همچنین توثیق خیانتش و دروغ پردازی و توجیه این خیانت تولید کرد



نویسنده: مهمان

عاقبت طغیانگران جبار در سنت الهی



کجایند قیصر های روم و پادشاهان کسری؟ کجایند امپراتوری های با عظمت فارس و روم و سپاهیان له کننده مغول؟ کجاست اتحاد جماهیر شوروی و ارتش سرخ شکست ناپذیرش؟ کجاست کنستانتین بنیانگذار امپراتوری بیزانس و قلب اروپا؟ و چه بر سر بریتانیای بزرگ آمد ...؟

اینان تمام امت ها و قدرت های بزرگ طغیانگر و جبار طول تاریخ بودند، که آخرین سرنوشتشان نابودی و زوال بود، زوالی که به دست مسلمانان و تحت تاثیر مستقیم آنها رقم خورد و امپراتوری شر، امپراتوری آمریکا نیز از این قاعده به خواست خداوند متعال مستثنی نخواهد بود ...

قوت و توان نظامی آنها و رفت و آمدشان به بلاد مسلمین تورا نفریید، بتاکید که سنت الله متعال در گذشتگانی که نابود شدند، پایان کار ظالمان را ترسیم نموده است، پرچم های پیروزی خواهند آمد، و ورود آمریکا به صف و اردوگاه مسلمین هرگز دور از دسترس نیست، این وعده خداوند به بندگان مومن است ...

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ مَّكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُمْكِنْ لَّكُمُ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٦﴾ (الأنعام: ٦)

آیا ندیده‌اند (و آگاهی پیدا نکرده‌اند) که پیش از ایشان چقدر از اقوام و ملت‌ها را هلاک کرده‌ایم؟ اقوام و ملت‌هایی که در زمین (اسباب و ابرار) قدرت و نعمت بدیشان دادیم، قدرت و نعمتی که آن را به شما نداده‌ایم، و بارانهای پیاپی برای آنان بارانیدیم و رودبارها در زیر (منازل و کاخ‌های) ایشان روان کردیم. اما (هنگامی که سرکشی و نافرمانی کردند و شکر نعمت به جای نیاوردند، به پاس گناهانشان) آنان را نابود ساختیم و اقوام و ملت‌های دیگری را پس از ایشان پدیدار کردیم (و زمام امور را به دستشان سپردیم. پس از گذشتگان پند گیرید و از خواب غفلت بیدار شوید).



گردآوری: مسعود زاهدی

مسلمان خائن، داستانی از اعماق سقوط اندلس

شهر خیخون اسپانیا هر ساله یاد ماجرای «مسلمان خائن» را زنده نگه میدارد در شهر خیخون (Xixona خیخونه) در استان والنسیا اسپانیا هر ساله در ماه اوت جشنواره ای از اعیاد قدیمی (مسلمانان و مسیحیان) (Fiestas de Moros y Cristianos) برگزار میگردد این جشنواره قدمتی ۲۰۰ ساله دارد که به مکانی بزرگ برای گردهمایی جهان گردان و توریست های خارجی در استان والنسیا تبدیل شده است. این جشنواره به مدت سه شبانه روز متوالی ادامه پیدا میکند که در روز سوم آن جوانان شهر خیخون به اجرای نمایشنامه «مسلمان خائن» در وسط شهر می پردازند، داستانی که در سال ۱۹۱۹ میلادی خواکین کریماس پیکو (Joaquin Cremades Pico) آنرا به شکل نمایشنامه در آورد و خود نیز اجرا نمود و تا به امروز نیز به قوت خود باقیست.



اصل ماجرای «مسلمان خائن» یا «پسرک خائن» به قرن ۱۳ میلادی بر میگردد، زمانی که پسرکی مسلمان از اهالی خیخون که «بنی بنی شیمیتی Beny Beny Chimeti» نام داشت، عاشق دختری زیباروی از مسیحیان می شود، عشقی که در وجودش شعله ور میشود وی را تا حدی به پیش می راند که مجبور میشود به هم کیشان سابق خود (یعنی مسلمانان) خیانت کند و به دین مسیحیت بپیوندد و برای بدست آوردن دخترک زیبارو به جاسوسی مسلمانان بپردازد، مسیحیان که این فرصت را غنیمت می شمارند وی را مجبور به افشای اسرار سری همچون تعداد نظامیان مسلمانان، ورودی های مخفی شهر، نقاط ضعف قلعه و دروازه های ورودی شهر خیخون و سایر اطلاعات حساس نظامی کردند، اطلاعاتی که سبب سقوط شهر خیخون به دست مسیحیان و تسخیر آن شد. اما این پسرک عاشق خائن قبل از سقوط شهر و شکست از مسیحیان، توسط خود مسلمانان دستگیر شد، و به اتهام خیانت بزرگی که مرتکب شد حکم مرگ برای وی صادر شد و در اسرع وقت اعدام شد، هنگامی که شهر سقوط کرد مسیحیان وی را در تابوتی بزرگ و با شکوهی گذاشتند و مردم شهر (مسیحیان و مسلمانان) در مراسمی که پر بود از خشم و غصب و اختلاط احساسات طرفین (شادی و غم) او را به خاک سپردند.

این داستان غم انگیز و تراژدی را جوانان شهر خیخون هر ساله بصورت نمایش نامه در قالب مراسم جشنواره برگزار میکنند، به گونه ای که لباس مخصوص مسلمانان مراکشی و مغربی را با کلاه های قرمز رنگ مخصوص به تن می کنند و پسرک خائن را بعد از بازداشت و اعدام در شکوه و جلالی بینظیر بصورت نمایشی دفن می کنند.



برگرفته از کانال مسعود توحیدی

شیخ الاسلام گوگل و مفتی های آخر زمانی



چهره نورانی شیخ الاسلام گوگل

کمتر مفتی از مفتی های آخر زمان است که این عالم فرزانه ونورانی را شناسد عالمی که نه تنها بر چهار مذهب بلکه از تمامی مذاهب اطلاع دارد چنان حافظه عالی دارد که در کمتر از لحظه ای هست و نیستش را در اختیار قرار میدهد

کار مفتی شدن را چنان آسان کرده است که کافی است این شیخ قابل حمل را همراه داشته باشی دیگر لازم نیست مثل ملاهای قدیم ساعتها وچه بسا روزها در میان این کتاب و آن کتاب بگردی تا جوابت را بیابی کافی است شیخ الاسلام گوگل را خبردار کنی تا در یک چشم بهم زدن هست و نیست موضوع را جلو دستان قرار دهد کافی است آنرا کپی پیست نمایی ... آنوقت عالم ومفتی اگر باشد تویی تو سائل یا معارضا را چنان با کپی پیست هایت همباران کن که در مقابل مفتی وعالم بودند تسلیم شود و معارضا راه فرار را بر قرار ترجیح دهد

چیزی به نام «نمی دانم» در قاموس این شیخ الاسلام ما وجود ندارد اگر هست او می داند اگر نمی داند یعنی اصلا وجود ندارد وعیب از شماست نه شیخ الاسلام ما، پس دوباره امتحان کنید وسوالتان را درست برسید تا شیخ الاسلام جواب دهند .. نمی دانم این را از فضایل شیخ بدانم یا از معایبش اما بهر حال « نمی دانم» وجود ندارد..

البته ناگفته نماند یکی از عیوب اساسی این شیخ ما بی تقوایش است اگر برای مثال از زنا درموردش سوال کنی نه حکم زنا بلکه آموزش عملی آنراهم جلو چشمت می آورد ابایی ندارد هرآنچه را می داند میگوید واصلا برایش مهم نیست سائل کیست .. کودکی خردسال است یا پیر مردی عالم ... شاید با شناخت شیخ الاسلام گوگل که استاد ومربی مفتی های آخر زمان هست کلید این معما را یافت که چرا مفتی هایمان برخلاف علمای قدیم « لا ادری » را نمی شناسند؟

چرا فتواهایشان مملو از قیل وقال است؟

چرا بجای واقع گرا بودن نص گرا وکلمه گرا محض هستند؟

چرا بدون در نظر گرفتن نتایج هرآنچه را که می دانند میگویند؟

چرا بین سائلین تفاوتی قائل نیستند؟ چرا آثار بی تقوایی بر عمل وگفتارشان غوغا می کند؟

Google

حکم فتوا

حکم فتوا

حکم فتوا در اسلام

حکم و فتوا

تفاوت حکم فتوا

حکم یا فتوا

حکم حکومتی با فتوا

Google Search

I'm Feeling Lucky

Report inappropriate predictions

مترجم: بارباروس

معبد حسان در مغرب اسلامی

یکی از بناهای تاریخی و ویژه که در شهر رباط، پایتخت مغرب اسلامی که در عصر باشکوه دولت موحدین تاسیس شد.

و کار ساخت جامع حسان به دستور ابویعقوب منصور در سال ۵۹۳ هـ: ۱۱۹۷-۱۱۹۸ م: به اتمام رسید. و سازمان ثبت جهانی آثار باستانی یونسکو این بنای تاریخی را در ماه ژوئن سال ۱۹۹۵ به لیست آثار فرهنگی خود اضافه نمود.

و ساخت این پروژه عظیم به دستور سلطان یعقوب منصور موحدی شروع شد و یکی از بزرگترین مساجد در آن زمان شناخته میشد اما ساخت این پروژه بزرگ بر اثر وفات سلطان در سال ۱۱۹۹ م متوقف شد و قسمت هایی از آن بر اثر زلزله هایی که شهر رباط را در سال ۱۷۵۵ م لرزاند، فرو ریخت. و آثار برج مانده از این اثر تاریخی گویای ضخامت زیربنای آن می باشد که طول آن ۱۸۰ متر و عرض آن به ۱۴۰ متر میرسد.

و مسجد حسان یکی از سه معبد اصلی و همپراز معبد کتیبه در مراکش و الخیرالد در اشبیلیه می باشد که خبر از بزرگی این بنا میدهد.

مورخین معتقدند که؛ انتخاب این مسجد به مساحت ۲۵۵۰ متر در شهر رباط به عنوان بزرگترین مسجد مغرب اسلامی و همپراز مساجد بزرگ مشرق زمین، از نظر مساحت و فخامت شان، نشان از اهمیت دادن دولت موحدین به شهر رباط دارد و اینکه میخواستند رباط با شهرهایی همچون مراکش و فاس در یک سطح قرار بگیرد.

علی رغم تمام تلاشهایی که ابویعقوب منصور در راستای تاسیس شهر بزرگی با حداکثر امکانات جهت جاوید داشتن اسم دولت موحدین انجام دادند اما شهر رباط به آن شکلی که ابویعقوب و جانشینانش آرزو داشتند مورد عمران و آبادانی قرار نگرفت. و این به علاوه مرگ ابویوسف یکی از مهمترین عللی است که کار ساخت این مسجد را قبل از تکمیل آن متوقف کرد. و ایشان: ابویوسف: جهت ساخت و عمران مسجد شهر رباط از بودجه دولتی استفاده می نمود.



تاریخ در تصویر، کوتاه از همه جا

دولت خلافت عثمانی همچون دولتی فرا ملی در این تصویر ترکیبی از اعضای پارلمان عثمانی در سال ۱۹۰۸ میلادی را مشاهده میکنید که برخلاف تبلیغات سوء جوامع بین الملل حقایقی را آشکار میکند، نفر اول از بالا سمت چپ: «محمد طلعت بك» که به مقام پاشا رسید و سپس صدراعظم شد
نفر بعدی: «نسیم ماضلیه» معاون از امیر (یهودی)
نفر بعدی: «سُلیمان البستانی» معاون از بیروت که بعدها به ریاست پارلمان رسید (مسیحی)
نفر اول از پایین سمت چپ: «أسعد باشا توبتانی» نائب رئیس از آلبانی



نفر بعدی: «محمد مخافی» نائب رئیس از صنعاء یمن / نفر آخر: «کریکور زهراب» نائب رئیس از استانبول (ارمنی) /// امور سیاسی و اجتماعی مردم برخلاف گفته ها تنها بدست ترکان و مسلمانان نبود بلکه ترکیبی از تمامی ملیت ها و ادیان بود

از جرایم استعمار فرانسه در سوریه، کشتار ده ها دانشجو و استاد در دانشگاه دمشق بود (سال ۱۹۳۰)
این جنایت زمانی آغاز شد که گروهی از ارتش فرانسوی ها با ربودن دو دختر دانشجو و انتقال به محوطه دانشگاه قصد تجاوز به آنها را کردند، که منجر به قیام دانشجویها و استادان پزشکی و نجات دختران غصب شده گردید. ضرب و شتم این سربازان و خلع سلاح شدن آنها و کشتن شدن یکی از آنان سبب خشم ارتش فرانسه شد.

در پاسخ مقامات فرانسوی تمامی دانشجویان و استادان بخش پزشکی را اسیر کردند و تمامی آنان را به رگبار بستند، اجساد آنان را در صحرا انداختند و با دفن آنان نیز ممانعت نمودند



تاریخ در تصویر، کوتاه از همه جا

اسپانیا مجسمه ای از ابو عبدالله صغیر، آخرین پادشاه اندلس را ساخته است که کلید های شهر گرانادا (غرناطه) را برای تحویل دادن به فرناندو و ایزابلا در دست دارد ...

تا با این مجسمه پایان آخرین وجود اسلامی را در اندلس بع یاد داشته باشند، این تنها ماییم که گذشته را فراموش کرده ایم و آنها هرگز فراموش نخواهند کرد



عکس ناقوس یا زنگ کلیسا در درون مناره های مساجد مسلمانان در اندلس پس از تبدیل آنها به کلیسا در حالیکه یکی از بندهای تسلیم گرانادا این بود که مسیحیان حق ورود به مساجد را نداشته باشند